

چگونه تحلیل

نویسنده: دیریند مکی آندره آمیر
مترجم: مهدی آوچکانه و محمد قلی میناوند

گفتمان انتقادی

انجام دهیم



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



پژوهشکده فرهنگ و هنر سازش

چگونه تحلیل گفتمان انتقادی انجام دهیم

نویسنده: دیوید مکین و آندره امیر

مترجم: مهدی کوچک زاده و محمد قلی میناوند

طراح جلد: حسام صادقی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۲۸۲۸-۳

تذکره: چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

عنوان: م. پدیدآور: چگونه تحلیل گفتمان انتقادی انجام

د. م. نویسنده: دیوید مکین، آندره امیر؛ مترجم: مهدی

کوچک زاده، محمد قلی میناوند

مشترکات انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۷.

مشخصات ماهری: ۲۴ ص

ISBN: 978-600-03-2828-

یادداشت: عنوان اصلی: How to do critical discourse analysis: a multimodal introduction, 2012.

موضوع: گفتمان انتقادی

موضوع: Critical discourse analysis

رده بندی دیویی: ۴۰۱/۴۱

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۷/۸۵/۴۰۲

سرشناسه: مکین، دیوید، ۱۹۶۶-م. ۱۹۶۶-۱۹۶۶، David, 1966-

شناسه افزوده: امیر، آندره،

شناسه افزوده: کوچک زاده، مهدی، ۱۳۶۸- مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۴۴۱۸۱۶

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۲

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۲۴

تلفن: ۶۱۹۲۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

۱۵ معنای گونه خلق می شود؟

۱۷ زبان شناسی انتقادی

۲۱ تحلیل گفتمان انتقادی

۲۵ تحلیل گفتمان انتقادی خانوجهی

۳۳ مطالب فصل های کتاب

۴۰ فصل اول خلق گزینه های فعال: زبان به مثابه مجموعه ای از منابع

۴۱ مقدمه

۴۲ ارتباط از طریق نظامی از گزینه ها

۴۲ جبرگرایی زبانی

۴۵ نظریه نشانه شناسی اجتماعی ارتباطات

۴۹ گفتمان، گزینه های نشانه شناختی و دلالت

۵۷ ایدئولوژی و قدرت

۶۱ نشانه شناسی اجتماعی و هویت روزمره

۶۸ جمع بندی

۷۰ فصل دوم تحلیل گزینه‌های نشانه‌شناختی: واژگان و تصاویر

اشارت‌های واژگان	۷۵
بیانیهٔ مأموریت «سازمان ترابری منطقه شرقی کشور»	۷۷
بیش‌واژگی	۸۴
حذف یا غیاب واژگانی	۸۶
متضادهای ساختاری	۸۹
گزینه‌های واژگانی و ژانر ارتباط	۹۳
تحلیل منتقدانهٔ متن‌هایی که ایدئولوژی خودمان را مشخص می‌کنند	۱۰۴
گزینه‌های نشانه‌شناختی بصری	۱۰۷
پیکرنگاری	۱۰۷
اجزا	۱۱۲
محیط‌ها	۱۱۴
برجستگی	۱۱۸
جمع‌بندی	۱۲۱

۱۲۴ فصل سوم از نمایی سخنرانی و سخنران‌ها: فعل‌های نقل قولی

۱۲۵	مقدمه
۱۲۵	افعال نقل قولی
۱۳۲	مطالعه موردی ۱: افعال نقل قولی و القای تلویحی گناه
۱۳۸	مطالعه موردی ۲: افعال نقل قولی و بی‌کفایتی
۱۴۲	مطالعه موردی ۳: افعال نقل قولی و جوش احساسات
۱۴۳	روحانی‌ها چگونه بغض به کاریکاتورها را شیون دادند
۱۴۵	بازنمایی حالت سخنران‌ها با استفاده از منابع نشان‌دهنده اختلال بصری
۱۴۷	نوع نگاه کردن
۱۵۳	ژست
۱۵۹	جمع‌بندی
۲۵۹	مطالعه موردی ۱: سخنرانان در استان همدان
۲۵۹	مطالعه موردی ۲: وبسایت‌های شرکت‌های خدمات درمانی
۲۶۰	جمع‌بندی

۱۶۰ فصل چهارم بازنمایی مردم: زبان و هویت

راهبردهای بازنمایی در زبان	۱۶۲
دسته‌بندی کنشگران اجتماعی	۱۶۵
شخصی‌سازی و غیر شخصی‌سازی	۱۶۶
فردنمایی در مقابل جمع‌نمایی	۱۶۷
خاص‌نمایی و عام‌نمایی	۱۶۸
ناه‌آوردن یا تعین جایگاه افراد	۱۶۸
استناد به عزایر تجلیل‌آمیز	۱۷۰
شی‌وارگی	۱۷۱
گمنام‌سازی	۱۷۲
در شمار آوردن	۱۷۳
ضمیر در مقابل اسم: تقسیم‌بندی «» و «آنها»	۱۷۳
حذف	۱۷۴
مطالعه موردی ۱: در شمار آوردن و حذف	۱۷۵
مطالعه موردی ۲: ژانرهای متفاوت گفت‌وگو کنندگان	۱۸۲
مطالعه موردی ۳: حذف کنشگران اجتماعی	۱۸۷
راهبردهای بازنمایی در ارتباطات بصری	۱۹۳
موقعیت بیننده نسبت به افراد درون تصویر	۱۹۴
فاصله	۱۹۴
زاویه	۱۹۸
فردنمایی در مقابل جمع‌نمایی	۲۰۱
افراد و گروه‌ها	۲۰۱
نمایش‌های عام و خاص	۲۰۳
فروگذاری: شیوه‌های بازنمایی (نکردن) دیگران	۲۰۴
۱۶۱ چگونه جمع‌نمایی گفت‌وگو انتقادی انجام دهیم	

فصل پنجم ۲۰۸

فرایندهای مادی	۲۱۲
فرایندهای ذهنی	۲۱۴
فرایندهای فیزیکی	۲۱۸
فرایندهای زیستی	۲۱۸
فرایندهای ریاضی	۲۱۹
فرایندهای وجودی	۲۲۰
عبارت‌های قیدی	۲۲۴
جای‌گذاری دستوری کنش‌ها	۲۲۶
کنش‌هایی که با انتزاع بازنمایی می‌شود	۲۲۷
مطالعه موردی ۱: بیش‌واژگی «زندانیان مصلحت‌طلب»	۲۲۹
مطالعه موردی ۲: گزارش استان هلمند	۲۳۷
مطالعه موردی ۳: غلبه فرایندهای زبانی	۲۴۱
مطالعه موردی ۴: انفعال زنانه در رمان‌های زنان	۲۴۹
بازنمایی بصری گذرایی	۲۵۳
مطالعه موردی ۱: ماری کلر، زنی در فصل دوم	۲۵۳
مطالعه موردی ۲: سربازان در استان هلمند	۲۵۶
مطالعه موردی ۳: وب‌سایت‌های شرکت‌های خدمات درمانی	۲۵۸
جمع‌بندی	۲۶۰

۲۶۲ فصل ششم مخفی کردن و پنهانی انگاشتن: اسم‌سازی و پیش‌فرض‌گیری

اسم‌سازی	۲۶۳
تأثیرات اسم‌سازی	۲۶۸
ساخت جمله‌های اسم‌سازی شده	۲۷۵
گروه اسمی و جمله ربطی	۲۷۷
مطالعه موردی ۱: تونی بلر	۲۷۸
مطالعه موردی ۲: بیانیه مأموریت «شرکت توسعه مناطق شرقی کشور»	۲۷۹
مطالعه موردی ۳: مقاله ماری کلر و ماجرای زندانیان مسلمان	۲۸۳
مطالعه موردی ۴: یورش به آشیانه	۲۸۶
پیش‌فرض‌گیری	۲۸۹
جمع‌بندی	۳۰۵

۳۰۶ فصل هفتم اقناع به وسیلهٔ انتزاع: خطابه و استعاره

۳۱۲	قلمرویی استعاره
۳۱۵	مجازهای خطبه‌ای
۳۱۵	استعاره
۳۲۰	مبالغه
۳۲۰	شخصیت‌بخشی/مادیت‌بخشی
۳۲۱	کنایه‌آوری (دگرنامی)
۳۲۲	بدیع (ذکر جنه و ارادهٔ کل)
۳۲۲	علامت‌دهی استعاره
۳۲۳	مطالعهٔ موردی ۱: سخنرانی جرج بوش
۳۲۹	مطالعهٔ موردی ۲: سخنرانی دیوید کامرون
۳۳۱	مشکل
۳۳۴	کسانی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند
۳۳۵	علت مشکل
۳۳۶	راه‌حل
۳۳۷	مطالعهٔ موردی ۳: گزارش بحران مسکن در روزنامهٔ تایم
۳۴۳	جمع‌بندی

۳۴۶ فصل هشتم التزام و طفره: حقیقت وجهیت و محتاط‌گویی

وجهیت در زبان	۳۴۸
مؤلفه‌های وجهی و اقتدار	۳۵۳
محتاط‌گویی	۳۵۷
مطالعه موردی ۱: آرای وبلاگ درباره جرم با چاقو	۳۶۶
مطالعه موردی ۲: طفره از بیان پیامدهای احتمالی کسری بودجه نظامی	۳۶۸
وجهیت و قطعیت در ارتباط بصری	۳۷۰
وجهیت و قطعیت در ارتباط بصری	۳۷۳
نشانگرهای وجهیت بصری	۳۷۶
جمع‌بندی	۳۸۳

۳۸۶ جمع‌بندی: اجرای تحلیل گفتمان انتقادی بر رضایتی‌ها از آن

۴۰۱ بررسی انتقادات

۴۰۳ استفاده از مطالعات پیکره‌ای در تحلیل گفتمان انتقادی

۴۰۵ استفاده از روش‌های مردم‌نگارانه در تحلیل گفتمان انتقادی

۴۰۹ واژه‌نامه

۴۱۷ منابع

مقدمه: معنا چگونه خلق می شود؟

در رشته مطالعات فرهنگی و رسانه، علاقه روزافزونی به مجموعه منحصر به فردی از ابزارهای تحلیل زبان گفتار، نوشتار، که تحلیل گفتمان انتقادی نامیده می شود، وجود داشته است؛ مجموعه ابزاری که در واقع تئیه، ناهمگونی از رویکردهایی است که بنیان در زبان شناسی دارند و بیشتر بخش های آن از تئریات و آرای نویسندگان تأثیرگذار متعددی اثر پذیرفته است (کرس، ۱۹۸۵؛ فرکات، ۱۹۸۹؛ وداک، ۱۹۸۹؛ ون دایک، ۱۹۹۱؛ ون لی اُون، ۱۹۹۶؛ کالداس-کولتارد، ۱۹۹۷). این کتاب در رجه اول برای پژوهشگران و دانشجویان این رشته نگارش یافته است. همچنین، پژوهشگران رشته مطالعات فرهنگی و رسانه به مزیت انجام دادن تحلیل همه جانبه و نظام مند روی زبان نسبت به تحلیل با استفاده از رویکردهای مجاز شمرده شده از جنس تحلیل محتوا با تئیه سیر دیبانه مرسوم در مطالعات فرهنگی به خوبی پی برده اند. چنین تحلیل دقیق و حساب شده ای که بالندگی خود را وام دار متخصصان و نویسندگان زبان شناس است، به ما اجازه می دهد بتوانیم هرچه دقیق تر مشخص کنیم که سخنرانان و نویسندگان چگونه زبان و عناصر دستوری آن را به کار می گیرند تا مفاهیم مد نظر خود را ایجاد کنند؛ تا مردم را اقناع کنند درباره رویدادها به شیوه به خصوصی بیندیشند و حتی گاهی به دنبال دست کاری کردن افکار مردم باشند.

این‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که آن‌ها سعی دارند مقاصد ارتباطی خود را مخفی کنند. از سویی، هدف این کتاب گردآوری مجموعه ابزارهایی است که گفتمان‌کاوان انتقادی عمدتاً از آن‌ها استفاده می‌کنند و اینکه نشان دهد چگونه می‌توان از این مجموعه برای تحلیل دامنه تعریف‌شده‌ای از متون رسانه‌ای استفاده کرد. از سوی دیگر، این کتاب مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های تحلیل دقیق ارتباطات بصری را نیز ارائه می‌کند. در میان زبان‌شناسان و گفتمان‌کاوان، به موازات علاقه فزاینده به تحلیل متن، گرایش واری به تحلیل چگونگی انتقال معنا از طریق زبان بصری نیز وجود داشته است (هوج و کرس، ۱۹۸۸؛ کرس و ون لی اون، ۱۹۹۶؛ کرس، ۲۰۱۰). اغلب معانی و مفاهیم موجود در بسیاری از متن‌هایی که در زبان‌شناسی تحلیل می‌شود می‌تواند از طریق جنبه‌های بصری آن متن نیز انتقال یابد؛ ویژگی‌هایی که پیش‌تر به علت تمایل مفرط زبان‌شناسان برای فهم زبان بود. غفلت قرار گرفته بود. غفلت از این جنبه‌ها نویسندگان مذکور را به بحث‌و‌جدل برانگیخت. این نوع تحلیل واداشت، زیرا در تحلیل صرفاً زبان‌شناختی بسیاری از وجوه انتقال معنایی بررسی نمی‌شد و در نتیجه برخی محتواهای موجود در متن از دست می‌رفت و بنابراین از دید آنان چنین تحلیلی مشکل‌ساز و ناکافی بود. گرچه تحلیل بصری، پیش‌تر به صورت سنتی، در قلمرو مطالعات فرهنگی و رسانه وجود داشت، زبان‌شناسانی مانند کرس و ون لی اون (۱۹۹۶، ۲۰۰۱)، اهلورن (۲۰۰۴) و بالدري و تيبالت (۲۰۰۶) با الهام از همان گونه‌ها، تحلیل و توصیف دقیق و نظام‌مندی که حاصل رویکرد ویژه تحلیل گفتمان انتقادی به زبان بود، درصدد بهبود برخی الگوهای تحلیل خود برآمدند. این پژوهشگران بررسی کردند که گونه زبان، تصویر و سایر اشکال و وجوه ارتباطی مثل اسباب‌بازی‌ها، آثار و یادبو‌ها، تاریخی، فیلم، صوت و... برای ایجاد معنایی واحد هم‌نوا می‌شوند. به تحلیل وجوه مختلف ارتباطی تحلیل «چندوجهی» می‌گویند. همه ابعاد تحلیل چندوجهی با رویکرد انتقادی موجود در تحلیل گفتمان انتقادی، که در آن هدف کشف ایدئولوژی مستور در متن است، همخوانی

۱. وداک و میر (۲۰۰۹: ۳) درباره اینکه یک بنا یا یادبود تاریخی چگونه می‌تواند حامل معنا باشد، توضیح می‌دهند. م

ندارد. مانند تحلیل زبان شناختی که اساساً در آنجا نیز هدف در بیشتر موارد ارائه نوعی توصیف یا به بیان ساده‌تر، بایگانی الگوهای معنایی بوده است. با اندکی اغماض، هدف بیشتر شاخه‌های زبان‌شناسی توصیف و توضیح سرشت زبان بوده است. اما، گذشته از رویکرد غیر انتقادی تحلیل چندوجهی، چیزی که این نوع تحلیل بصری در کنار تحلیل زبان‌شناختی می‌تواند برای حوزه مطالعات فرهنگی و رسانه به ارمغان آورد، مجموعه ابزارهایی پردقت و جامع است که موجبات تحلیل هرچه نظام‌مندتر متون (رسانه‌ای) را فراهم می‌کند. مانند مجموعه ابزارهایی که برای تحلیل زبان ابتدا توسط زبان‌شناسی و سپس تحلیل گفتمان ارائه شد و دقت تحلیل زبان را بهبود بخشید.

زبان‌شناسی انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی به «درستدل در زبان‌شناسی انتقادی ریشه دارد. بنیان اولیه زبان‌شناسی انتقادی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آثار راجر فاولر، رابرت هوج، گونتر کرس و تونی تریو در دانشگاه ایست انگلیس پدید آمد. اولین نشانه‌ها درباره زبان‌شناسی انتقادی را می‌توان در کتاب کلاسیک ایریزسندگان، با نام زبان و کنترل، پیدا کرد (فاولر و دیگران، ۱۹۷۹). زبان‌شناسی انتقادی، به بیان این بود که نشان دهد زبان و دستور چگونه می‌تواند به صورت ابزاری ایدئولوژیک استفاده شود. از این منظر، متن‌ها مطالعه می‌شوند تا معلوم شود متن با توسل به چه شیوه‌هایی، رویدادها، مکان‌ها و کنش‌ها را مقوله‌بندی می‌کند. با استفاده از زبان‌شناسی انتقادی، تحلیلگران می‌توانند بفهمند که متن کدام رویدادها و افراد را برجسته کرده است و به کدام یک که «متن» یا اساساً بی‌اعتنا بوده است. انتخاب گزینه‌های مختلف زبانی می‌تواند بر معنای متن تأثیر گذارد؛ در نتیجه، با تحلیل دقیق متن می‌توان ایدئولوژی مستور در آن‌ها را آشکار کرد. مدرس (۱۹۸۹) با استفاده از زبان‌شناسی انتقادی می‌توانست نشان دهد که چگونه در کتاب جغرافیای مدارس در آن زمان نام برخی مسئولان یک منطقه و اقدامات انجام‌شده در آنجا از متن کتاب حذف می‌شد، تا انگیزه‌های سرمایه‌داری را که پشت قانون «مالیات بر بهره‌وری»

وجود داشت مخفی کند؛ مثلاً، فرض کنیم بخشی از یک متن، که دربارهٔ توسعهٔ منطقهٔ مشخصی از افریقا توضیح می‌دهد، چنین باشد:

مساحت زیادی از این مزارع برای ارتقای ظرفیت حمل‌ونقل ضعیف این منطقه لازم است.

این جمله نمونه‌ای از کل متن است. به ما گفته نمی‌شود که فاعل فعل «لازم داشتن» کیست. اینکه چه کسی به حاصلخیز بودن این منطقه احتیاج دارد و از این امر بهره می‌برد، اباً بیان نشده است. این سرزمین عمدتاً با کاستی‌هایش توصیف شده و مثلاً در این جمله به ظرفیت حمل‌ونقل ضعیف این منطقه اشاره شده است. به عبارتی، متن تماماً بر بیان کاستی‌های منطقه تمرکز دارد نه بیان امتیازها و قابلیت‌های آن. این منطقه بر پایهٔ شایستگی‌هایش ارزش‌گذاری نمی‌شود؛ یعنی بر پایهٔ زیبایی‌هایش، ظرفیتش برای جای دادن سیاحت‌حس عظیم و بی‌انتهای آن مناطق و نیز قدرت‌ش برای روح بخشیدن به زندگی خرد است. عادت هر چک ارزیابی نمی‌شود، بلکه فقط ملاک ارزش‌گذاری این منطقه در این متن منابع و ظرفیت‌های آن برای ارتقای تولید و بازدهی است. چیزی که متن اصلاً به آن اشاره نمی‌کند این است که معیار ارزیابی این منطقه اساساً چیزی مرتبط با بهره‌کشی اقتصادی است. مسئلهٔ اصلی در زبان‌شناسی انتقادی اینجاست که این‌گونه مسائل اصلاً به طور مستقیم در متن بیان نشد است، لکن با جست‌وجو در میان ناگفته‌ها قابل تشخیص است.

علاوه بر این، مسئلهٔ دیگری که کسانی مانند هوج و کرس (۱۹۸۸) دربارهٔ آن بحث کردند این بود که زبان گونه‌ای از سنت اجتماعی است. زبان با نحوهٔ کنش ما و اینکه چگونه جوامع خود را سامان می‌دهیم و حیات آن را تداوم می‌بخشیم گره خورده است. زبان بخشی از شیوه‌ای است که مردم با آن به دنبال ترویج خاصی از دیدگاه‌ها دربارهٔ هستی و «بدیهی ساختن» آن‌ها هستند. همین امر است که سبب می‌شود آن‌ها مثل بقیهٔ مردم و معقول به نظر بیایند. به وسیلهٔ زبان است که انواع مشخصی از سنت‌ها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هویت‌ها رواج می‌یابند و بدیهی‌سازی می‌شوند و سپس نهادهایی

مانند مدارس نیز به محلی برای به قانون درآوردن و نشر چنین دانشی بدل می‌شوند. زبان، از آنچه ما آن را فرهنگ خود می‌دانیم، تفکیک‌ناپذیر است.

مثالی امروزی‌تر از مسائل سیاسی انگلیس نشان می‌دهد که ما چگونه می‌توانیم به نحو احسن دربارهٔ این مسائل فکر کنیم. پیش از برگزاری انتخابات سراسری انگلیس در سال ۲۰۱۰، رئیس حزب محافظه‌کار، دیوید کامرون، ناکامی حزب مقابل، یعنی حزب کارگر، را در پاسداری از اصل ارزش‌های خانوادگی^۱ دست‌مایهٔ انتقاد از آنان قرار داد. او این تقابل را هدف قرار داد که روند فعلی که در آن دختران نوجوان خیلی زود در مسائل جنسی وارد می‌شوند، به علت رها شدن آنان در فرهنگ عامه است. صحبت‌ها این‌گونه آغاز شد:

جنسی شدن زودهنگام مانند آلودگی هواست. این معضل در هوایی است که کودکان ما نفس می‌کشند؛ هر لحظه و هر روز.

اول چیزی که از این جمله می‌توان فهمید این است که کامرون دربارهٔ موضوع مشخصی صحبت نمی‌کند. او تنها مشخص نمی‌کند که روند «جنسی شدن» چه مسائلی را شامل می‌شود. او نه می‌گوید «جنسی شدن» چیست و نه اینکه در چه مقطعی می‌تواند «زودهنگام» خوانده شود. در واقع، کامرون برای صحبت کردن دربارهٔ موضوعات مشخص، با استفاده از یک تشبیه، به بحث آلودگی محیط زیست پل می‌زند. با برداشتن این گام، او این امکان را پیدا می‌کند تا حس تهدید از عظم را در ذهن مخاطبان بیندازد و پس از آن به راحتی جامعه‌ای را که بر ساختهٔ دولت کارگر است سرزنش کند؛ بدون اینکه دقیقاً بیان کند آن‌ها را برای کدام عملکردشان سرزنش می‌برد. مخاطبان عادی ممکن است تشخیص دهند که در این سخنرانی اطلاعاتی سطحی دارد ارائه می‌شود، اما زبان‌شناسی انتقادی به دنبال فهم چند گزینهٔ زبانی باخوب می‌است که ترکیب ابهام و التزام شدید به ارزش‌ها را برای کامرون ممکن می‌سازد. زبان‌شناسی

۱. ارزش‌های خانوادگی به تربیتی اشاره دارد که در آن ارزش‌های سنتی و موروثی خانواده به نسل‌های بعدی انتقال پیدا می‌کند. از آنجا که این ارزش‌ها و میراث‌ها در میان نسل‌های بعدی بیشتر از سوی فمنیست‌ها مورد انتقاد قرار گرفته، نویسندگان آن را محافظه‌کارانه می‌دانند. م

انتقادی به دنبال آن است که تشخیص دهد در اینجا چه نوع تعریفی از رویدادها و نیز چه خوانشی از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هویت‌ها دارد ترویج می‌شود.

در اینجا راهبرد زبانی کامرون مشکل جنسی شدن را چنان بدیهی در نظر می‌آورد که گویی همه ما در مورد آن اتفاق نظر داریم. به‌طور کلی، در میان عموم مردم، چه کسی پیدا می‌شود که بخواهد کودکان «آلودگی» را تنفس کنند؟ نکته‌ای که زبان‌شناسان انتقادی اشاره کرده‌اند آن است که این زبان از شیوه‌ای که ما به وسیله آن جوامع خود را بر می‌سازیم و همین‌طور از شیوه‌ای که براساس آن در جوامع عمل می‌کنیم تفکیک ناپذیر است. هنگامی که مسائلی مانند «جنسی شدن زود هنگام» بدیهی‌سازی می‌شوند و درباره آن‌ها صحبت می‌شود، می‌تواند راه و روشی را که ما براساس آن کودکانمان را تربیت و جامعه‌پذیر می‌کنیم تحت تأثیر قرار دهند. بیان متواتر این مسائل می‌تواند شیوه و سنت ما را برای سازمان‌دهی، اداره نهادهای آموزشی، که در آن‌ها درباره جسم و هویت آموزش صورت می‌گیرد، به‌سکوتی تحت تأثیر قرار دهد؛ مثلاً، این تأثیر می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که مسائل جنسی چیزی دست‌کم که شناخت آن برای یک نوجوان اولویت داشته باشد، بلکه چیزی است که این نوجوانان را از آن مصون نگاه داشت.

زبان‌شناسی انتقادی به آن پیس‌فلسفیه‌هایی اشاره دارد که در تمام طول متن در لفافه باقی می‌ماند. به بیانی دیگر، چیزهایی که بیان شده است، ولی در متن مستقیماً «حضور» ندارد. در مثال صحبت کامرون نیز پیش‌فرض آن است که مفهومی کاملاً تعریف‌شده و تفکیک‌پذیر از سایر مفاهیم به نام «جنسی شدن» وجود دارد که پدیده‌ای است که در زمان مناسب خود مسئله‌ای حل‌شده است و انحراف از حالت استاندارد آن ما را واقعاً نگران می‌کند؛ آن هم فقط برای دختران و نه پسران.

علاوه بر تحلیل آنچه در متن غایب است، زبان‌شناسی انتقادی مفاهیم بدیهی انگاشته‌شده و مفروضات را نیز بررسی می‌کند. در صحبت‌های کامرون، می‌توانیم دریابیم که نوعی از مفروضات، یا آنچه زبان‌شناسی آن را پیش‌فرض می‌خواند، وجود دارد: در صحبت‌ها وجود زمانی که هوا آلوده نبوده است و اینکه ما می‌توانیم به شرایط مطلوب گذشته

بازگردیم پیش فرض گرفته شده است. این گامی مؤثر در دیدگاه حزب محافظه کار است که دنیای فعلی، در ابعاد مختلف، می تواند و باید به دوران آرمانی پیشین، که در آن محیط خانواده اصیل و فضای اجتماع امن، مترقی و عاری از جرم بود، بازگردانده شود. هیچ یک از این ها در صحبت های کامرون تصریح نشده است، اما بدون شک این پیش فرض های مخفی در کلام او وجود دارد. تحلیل، حتی روی این جمله کوتاه، می تواند از این هم عمیق تر شود. اما در اینجا ما بر آنیم تا از اهداف زبان شناسی انتقادی، که بعداً در تحلیل گفتمان انتقادی بهبود یافت و به کار گرفته شد، کلیاتی ارائه دهیم.

تحلیل گفتمان انتقادی

یکی از انتقادهای اصلی به زبان شناسی انتقادی توسعه نیافتگی آن برای لحاظ کردن سرشت ارتباط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی در تحلیل بوده است (فرکلاف، ۱۹۹۲). گفتمان کاوان انتقادی در این توین گسترش روش ها و نظریه هایی بودند که بتواند رابطه میان این سه را هر چه بهتر لحاظ کند. منصوص سنت ها و قراردادهای درون و پشت سر متن ها را، که مواضع و جناح بندی های سیاسی و ایدئولوژیک آن ها را فاش می کند، بیرون بکشد و به تشریح آن ها بپردازد. به علاوه، تحلیل گفتمان انتقادی، بی مهابا و تمام قد، به مداخله عملی در امور سیاسی و نیز تغییرات اجتماعی می پردازد (فرکلاف و ووداک، ۱۹۹۷: ۲۵۸)؛ مثلاً، تعدادی از گفتمان کاوان از نظر سیاسی علیه زادپرستی فعال اند و کلیشه ها و ایدئولوژی های نژادپرستانه در رسانه ها یا سایر گفتمان های رسمی را افشا می کنند؛ اگرچه از سوی دیگر زبان شناسان، که به آرمان عینیت در کارهای خود پایبندند، اغلب به این امر با دیدی منفی نگریسته می شود. در پایان کتاب، در آماره ۱۰ ارزیابی تحلیل گفتمان انتقادی از زوایای مختلف می پردازیم، درباره این موضوع بیشتر بحث خواهیم کرد. تحلیل گفتمان انتقادی از اساس با اندیشه های نورمن فرکلاف، روبرو و رداک و تون وندایک گره خورده است؛ اگرچه در جایگاه گفتمان کاوان انتقادی خود این پژوهشگران قائل اند که برای تحلیل گفتمان انتقادی نسخه ای واحد و همواره یکسان وجود ندارد.

بلکه آنچه در عمل می‌بینیم طیف وسیعی از رویکردهای انتقادی است که می‌تواند زیر چتر تحلیل گفتمان انتقادی گرد آید (نک: گی، ۱۹۹۰؛ اسکالون، ۱۹۹۸؛ راجرز، ۲۰۰۴؛ جفریس، ۲۰۰۷؛ ریچاردسون، ۲۰۰۷). همچنین، بسیاری از این نویسندگان تأکید دارند که تحلیل گفتمان باید از مجموعه‌ای از روش‌ها (ی زبان‌شناختی) به منظور پژوهش درباره مسائل مانده نحوه تولید و دریافت متن الهام بگیرد (وداک و میر، ۲۰۰۱؛ ریچاردسون، ۲۰۰۷). اما مسئله مهمی که همه این نویسندگان بر سر آن اجماع دارند، نگاه به زبان به منزله ساختاری اجتماعی است: زبان هم جامعه را شکل می‌دهد و هم از آن شکل می‌پذیرد. تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل کاربرد صرف زبان علاقه چندانی ندارد؛ بلکه عمدتاً به تحلیل مؤلفه‌های زبانی موجود در ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی فرض را بر این می‌گذارد که روابط قدرت ظهوری گفتمانی دارند. به عبارت دیگر، قدرت از طریق گفتمان القا و اجرا می‌شود. از این رو، می‌توانیم بررسی کنیم که روابط قدرت چگونه در گفتمان وارد می‌شود و به اجرا درسی آید (فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷: ۱۷۲).

واژه «انتقادی» در تحلیل گفتمان انتقادی محوریت دارد؛ همان‌طور که در زبان‌شناسی انتقادی نیز این‌گونه بود. بر این اساس و مشابه زبان‌شناسی انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی نیز به وجود کاستی‌هایی در اهداف توصیفی تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی قائل است و به ضرورت عزیمت از این سنت برای تحلیل اشاره دارد، زیرا در این دو شاخه همت تحلیل بیشتر بر تشریح و توصیف جزئی ویژگی‌های زبانی بوده است تا بر اینکه «چرا» و «چگونه» این ویژگی‌ها تولید شده‌اند یا اینکه این ویژگی‌ها احتمالاً در خدمت چه اهداف ایدئولوژیکی قرار گرفته‌اند.

تحلیل گفتمان انتقادی، معمولاً و به‌طور سنتی، به تحلیل متن اخبار، سخنرانی‌های سیاسی، آگهی‌های تجاری، کتاب‌های درسی و... می‌پردازد؛ با این هدف که از دل متن، راهبردهای زبانی‌ای را بیرون بکشد که در نگاه اول بدیهی یا خنثی به نظر می‌رسند، ولی در واقعیت امر می‌توانند ایدئولوژیک بوده و به دنبال شکل دادن به بازنمایی رویدادها و افراد

با هدف‌های به خصوصی باشند. بنابراین، لفظ انتقادی به معنای «غیر بدیهی‌سازی»^۱ زبان به منظور آشکار کردن این نوع اندیشه‌ها، ناگفته‌ها و پیش‌فرض‌های بدیهی‌انگاشته‌شده در متن‌هاست. این امر به ما اجازه می‌دهد انواع گرایش به قدرت را، که در دل این متن‌ها نهفته است، آشکار کنیم.

اولین دغدغه گفتمان‌کاوانی چون فرکلاف و وداک (۱۹۹۷: ۲۵۸) این است که روابط قدرت چگونه در گفتمان وارد می‌شود و به اجرا درمی‌آید. پس، به طور مثال، تحلیل می‌تواند نشان دهد که گونه‌های مختلف روابط قدرت با درون‌مایه نژادپرستانه چگونه از طریق متن اخبار و سخنان سیاسی بیان شده است. علاوه بر این، تحلیل می‌تواند نشان دهد که چگونه «است‌مردانی مانند کامرون در پی رواج ایدئولوژی محافظه‌کارانه»^۲ «ارزش‌های خانودگی»^۳ هستند تا نوعی دشمن در جامعه علم کنند و به این وسیله توجه و نگرانی جامعه را از اقدامات جبرآمیزی که در عمل به ایجاد نابرابری‌های ملموس اجتماعی و زندگی همراه با فقر منجر می‌شود منحرف کنند.^۴

فرکلاف (۱۹۸۹: ۵) اندیشه‌ساز انتقادی زبان را چنین خلاصه می‌کند: فرایند تحلیل مؤلفه‌های زبانی به منظور آشکار کردن ارتباط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی که از دید عموم مردم مخفی است. آنچه پژوهشگران در این برخورد خود با تحلیل گفتمان انتقادی درمی‌یابند این است که در بیشتر مواقع در کوچک‌ترین جزئیات زبانی است که می‌توان روابط قدرت و ایدئولوژی‌های سیاسی را پیدا کرد. این است که در مواجهه با متن بدانیم یا بفهمیم که گوینده یا نویسنده «چه» مفهومی را دارد یا می‌کند، ولی شاید به این اندازه درباره اینکه «چگونه» دارد آن مفهوم را ادا می‌کند آگاهی نداشته باشیم؛ مثلاً، در یکی از سخنرانی‌های تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق انگلیس، که در سال ۲۰۱۰ در یاد جهانی ایمان^۵

۱. denaturalize: عبور از معنای سطحی و نفوذ به لایه‌های عمیق معنایی که یک متن می‌تواند حامل آن باشد. توضیح و استدلال خواستن از متن درباره مسائلی که آن‌ها را بی‌نیاز از توضیح بیشتر و استدلال تلقی کرده است.

۲. کامرون بی‌توجهی حزب کارگر به اصل «ارزش‌های خانوادگی» را علت اصلی پدید آمدن معضل «جنسی شدن زود هنگام» در دختر بچه‌ها می‌داند. او با پیش کشیدن این موضوع اجتماعی، که به زعم نویسندگان کتاب موضوعی فرعی است، در واقع، معضلات اقتصادی و سیاسی را که اولویت موضوعات جامعه‌اند مسکوت گذاشته است. این نوع استفاده از زبان «ناگفته‌گذاری» نامیده می‌شود. م

3. World Faith Foundation

ایراد شد، می‌توانیم بررسی کنیم که چگونه ایدئولوژی در پس این متن، به‌خصوص در سطح گزینه‌های زبانی و دستوری، قرار می‌گیرد. بخشی از این سخنرانی در جمله ذیل آمده است: فهم دینی عاملی تعیین‌کننده برای غلبه بر خصومت‌هایی است که جهان را تهدید می‌کند.

در سرتاسر این سخنرانی، تونی بلر درباره «فهم» و «شناخت» نه به صورت دو فرایند، که به منزله دو موضوع صحبت می‌کند. به بیان دیگر، او این دو را به صورت اسم و نه فعل به کار می‌برد. با این حساب، او نه مجبور است مشخص کند که آنچه ما باید بدانیم یا فهم ما بر خصومت‌ها غلبه کنیم «چیست» و نه اینکه «چه کسی» باید کیفیت این «فهم» را نبیند. در ادامه این جمله می‌گوید:

چیزی که باید جهانی‌سازی شود فهم و شناخت است... شناخت است که ما نوراندیشی و بصیرت می‌دهد و به مردم کمک می‌کند دریابند در چه چیزهایی اشتراک دارند.

در این مثال، می‌بینیم که اگر به جای اینکه بگوید ما به «فهم» فلان مسئله مشخص یا «شناختن» فلان مسئله مشخص دیگر نیاز داریم، فقط بیان می‌کند که ما به «فهم» و «شناخت» نیاز داریم و اینکه این فهم و شناخت باید «جهانی‌سازی» شود.

با این حساب، عقلانی است که به ذهن به‌طور کند مشکلاتی که بلر به آن‌ها اشاره می‌کند جهانی‌های اساساً مختلف و حامیان سادی را، فارغ از اختلافاتی که این جهانی‌ها با یکدیگر دارند، با خود همراه می‌کند. طبیعی است که دین و مجموعه باورهای فرهنگی متفاوت می‌تواند در مورد مسائل گوناگون، راه‌حل‌های متفاوت و غیر قابل جمع ارائه کند؛ مثلاً، اینکه ما چگونه و بر چه اساس باید جوامع خویش را سامان دهیم؟ آیا باید به نظام سرمایه‌داری جهانی اجازه داد که در همه‌جای دنیا را بدهیم؟ آیا باید به مصرف‌گرایی و گونه‌های هویتی مرتبط با آن اجازه داد که بی‌هیچ ملاحظه‌ای در سراسر دنیا اشاعه پیدا کند؟ یا ابهام ساده‌تر اینکه چه کسی باید مدیریت تجارت جهانی را در دست داشته باشد؟ به‌علاوه، گرچه بسیاری از منازعات در دنیا به مسائل دینی و فکری بازمی‌گردد، بسیاری از این درگیری‌ها در اختلافات ارضی

و حاکمیتی ریشه دارد که از قضا در برخی از این مسائل پای ابرقدرت‌های غربی هم در میان است. در هر دوی این موارد، چه اختلافات فکری و چه اختلافات ارضی، اینکه ما باید چه چیزی را دربارهٔ یکدیگر «بدانیم» یا «فهمیم» تا از این منازعات در امان باشیم بی‌پاسخ باقی می‌ماند. گرچه بلر در سراسر این سخنرانی اصلاً به این ابهامات پاسخی نمی‌دهد، استفاده از این راهبردهای زبانی و دستوری (اسم و اسم‌سازی) است که او را قادر می‌سازد از واژه‌هایی چون فهم و شناخت، که انسانیت، رواداری و گشودگی را در ذهن می‌آورد، مکرراً استفاده کند. در نگاه اول، چنین به نظر می‌آید که این سخنرانی سراسر از امر و قاطعیت لبریز است، ولی در نگاهی دقیق‌تر معلوم می‌شود که این صحبت‌ها دارد از ارائهٔ مثال‌هایی صریح و مطابق با واقع دربارهٔ چگونه اجرا شدن این راه‌حل طفره می‌برد. رودرکلاف و وداک (۱۹۹۷: ۲۷۳) قائل‌اند که چنین زبانی روابط قدرت در جامعه را بازتاب می‌دهد و بازتولید می‌کند. با آشکار کردن این راهبردهای زبانی بهتر می‌توانیم این روابط قدرت را بشناسیم، افشا کنیم و به چالش بکشیم.

در این کتاب، با ارائهٔ مثال‌های فراوان دیگر دربارهٔ این فرایندهای زبانی بیشتر توضیح می‌دهیم و برای شناسایی و توضیح اینکه این فرایندهای زبانی چگونه کار می‌کند، نگاهی به بعضی از ابزارهایی خواهیم داشت که تحلیل گفتمان انتقادی ارائه می‌کند. هریک از این مثال‌ها را قدم‌به‌قدم و به صورت جداگانه بررسی خواهیم کرد تا آن‌هایی که با این نوع تحلیل آشنایی کمتری دارند بتوانند مجرای ابزارهای تحلیلی خود را ارتقا دهند. اما این کتاب نه تنها دربارهٔ گزینه‌های زبانی است، که به وجه بصری ارتباط نیز می‌پردازد. در بخش بعدی، می‌بینیم که چگونه این رویکرد آکادمیک برای تحلیل ارتباطات بصری در کنار زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی جای گرفت.

تحلیل گفتمان انتقادی چندوجهی

در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ و پس از آن در دههٔ ۱۹۹۰، تعدادی از پژوهشگرانی که در زبان‌شناسی مشغول فعالیت بودند به این نتیجه رسیدند که به‌طور کلی معنا نه تنها از طریق زبان، بلکه

به وسیله دیگر وجوه نشانه‌شناختی نیز انتقال پیدا می‌کند. هر زبان‌شناس می‌تواند تحلیلی روشن‌تر و همه‌جانبه از زبان به‌کار گرفته‌شده در مثلاً یک آگهی تجاری به دست دهد، اما نکته اینجاست که احتمالاً بسیاری از معانی موجود در این آگهی از طریق عناصر بصری ادا شده است. این امر در مورد یک متن خبری که با عکس همراه است یا یک کتاب درسی که در آن بخشی از یک تمرین کلاسی زبانی و بخشی بصری است نیز صدق می‌کند. البته در بسیاری از رشته‌ها، همچون مطالعات فرهنگی و رسانه، مطالعات فیلم و زبان‌شناسی، سنت‌های قوام‌یافته‌ای برای تحلیل فرایندهای تولید معنا در ارتباطات بصری وجود دارد. اما همانند بسیاری از تحلیل‌های تفسیرگونه متن، که معمولاً مطالعات فرهنگی رسانه با آن‌ها سروکار دارد، در اینجا هم پژوهشگرانی مانند هوج و کرس (۱۹۸۸) و ون‌لی‌اُون (۱۹۹۶) احساس کردند بسیاری از تحلیل‌های بصری نیز فاقد نوعی جامع‌انگاری است که بتواند موجبات تسهیل در فرایند توصیف دقیق، نظام‌مند و موشکافانه را فراهم آورد و به نوبه خود امکان ارائه تحلیلی بی‌نقص را ایجاد کند. این نویسندگان بر این باور بودند که برخی اصول تحلیل زبان‌شناختی موجود در نظریه نظام‌مند و کاربردی هالیدی (۱۹۷۸) می‌تواند همان‌گونه که در تحلیل گفتمان انتقادی به‌منزله اصولی برای تحلیل نظام‌مند استفاده شد، برای ارتباطات بصری نیز به‌کار گرفته شود. به نظر کرس و ون‌لی‌اُون (۱۹۹۶)، آنچه لازم بود مجموعه‌ای از ابزارها بود که امکان مطالعه گزینه‌های بصری را برای ما فراهم کند؛ درست مانند امکانی که تحلیل گفتمان انتقادی برای مطالعه دقیق گزینه‌های واژگانی و دستوری زبان در اختیار ما قرار می‌داد. کرس یکی از پیش‌تازان عرصه زبان‌شناسی انتقادی بوده است و برای ارتباطات بصری اهمیت زیادی مانند زبان قائل است. نتیجه کار کرس و ون‌لی‌اُون اضافه شدن تحلیل بصری به تحلیل زبان‌شناختی بود؛ چیزی که این دو آن را «تحلیل چندوجهی» نام نهادند. دیگر محققان، که آن‌ها نیز به نوعی از چارچوب هالیدی‌ای الهام گرفتند، نیز در کارهای خود به همین چالش، یعنی فقدان مجموعه ابزاری برای تحلیل ارتباطات بصری، اشاره کرده بودند (مانند آتول، ۱۹۹۴ و اُهلورن، ۲۰۰۴)؛ اگرچه کار آنان موضع انتقادی موجود در کارهای کرس و ون‌لی‌اُون

را ندارد و در مقایسه با نظریه‌های بصری متعلق به این دو، سطح علمی پایین‌تری دارد. کرس و ون لی اُون (۱۹۹۶، ۲۰۰۱) روی مفاهیم و ابزارهایی شروع به کار کردند که علاوه بر اینکه به تحلیلگران امکان تشریح مؤلفه‌ها و عناصر تصاویر را می‌داد، تشریح نحوه عملکرد این مؤلفه‌ها و عناصر در کنار یکدیگر را نیز برای آنان ممکن می‌ساخت. البته این نکته که تصویر چقدر می‌تواند مانند زبان عمل کند و تحلیل فرایند تولید معنا در تصویر چقدر می‌تواند مانند تحلیل معناسازی در زبان انجام گیرد، محل اختلاف نظر بوده است؛ ولی با این همه جعبه‌ابزاری که این دو نویسنده ارائه کرده‌اند قدرت و قابلیت ما را برای تشریح هر چه نظام‌مندتر آنچه می‌بینیم بسیار بیشتر کرده است.

عکس ۱ و متن آن، از «هفت نکته آسان برای تناسب اندام»، از نشریه کاسما پلین انتخاب شده است^۱ (۱۹ ژوئیه ۲۰۱۰). این متن با خواننده درباره «نکات تضمینی تناسب اندام برای بدن مانکنی» صحبت می‌کند.

۱. کاسما پلین، نشریه‌ای تابلوییدی معروف و پرسابقه با موضوع سبک زندگی زنان در روابط، سلامتی، روابط جنسی، اعتماد به نفس و موضوعاتی از این قبیل است. این نشریه در آمریکا منتشر می‌شود و به ۶۴ زبان در سراسر دنیا توزیع می‌شود. م.